

بسوی استراتژی سوسیالیستی، مجموعه ترها (۴)

کانون‌های کمونیستی

1. مبارزه طبقه کارگر علیه استثمار سرمایه‌داری، منشاء حیات جنبش سیاسی کارگری و سرانجام حزب کمونیستی است. سازمان کمونیستی نیز به سهم خود، عامل پیشروی سیاسی مبارزه طبقاتی و ظرف سازمانیابی کمونیستی کارگران میباشد. سازمانیابی کمونیستی کارگری اما به خودی خود تحقق نمی‌یابد. ایجاد نهادهای غیر حزبی، گامی بسوی سازمانیابی حزبی و یکی از وجوه اساسی سیاست سازمانگری تشکل رزمنده انترناسیونالیستی برای دخالتگری سیاسی، در شرایط متعارف سرمایه‌داری است. نهادهای غیر حزبی دوران کنونی اما بر خلاف اشکال کهن سازمانگری «توده‌ای»، کانون‌های کوچک و ایزوله شده مقاومت ضد سرمایه‌داری در مقابل قدرت و ایدئولوژی طبقه حاکم هستند. کانون‌ها، ظرف فعالیت سلول‌های پایه، تشکیلات انترناسیونالیستی، یعنی حوزه‌ها، و صفوف مقدم ابراز وجود سیاسی و اجتماعی جریان کمونیستی خواهند بود.

2. «کانون» نامی است که سازمان کمونیستی، در سطحی انتزاعی و تئوریک، بر نهادهای غیر حزبی متکی بر چشم انداز انترناسیونالیستی مینهد. در ساده‌ترین بیان میتوان کانون‌ها را همچون گروه‌های مبارز متکی بر فعالیت جمعی بحث و مطالعه نامید. گروه‌هایی که بر متن مناسبات طبیعی در محیط کار و زیست شکل گرفته و تجلی‌گرایش اجتماعی کمونیسم و مادیت یافتن نظریات و مواضع سازمان انقلابی در نقد سرمایه‌داری می‌باشند. کانون‌ها، نهادهای غیرحزبی سازمان انترناسیونالیستی در شرایط متعارف سرمایه‌داری می‌باشند. کانون‌ها، محصول فعالیت حوزه‌های سازمانی برای ایجاد گروه‌های مبارز مبتنی بر دوستی در محیط زیست و کار بوده و در تداوم ترویج اهداف و مواضع سازمان انترناسیونالیستی و تشریح ضرورت تشکلیابی کمونیستی توسط حوزه‌های سازمان انترناسیونالیستی و به ابتکار آنها شکل می‌گیرند.

3. در جائیکه نقطه عزیمت حوزه‌های کمونیستی در سازماندهی، برنامه و علم انقلابی است، حرکت کانون‌ها بر هویت اجتماعی و چشم انداز مبتنی بر تجارب عملی استوار است. کانون‌ها حلقه اتصال آگاهی حسی و تجربی به آگاهی عقلانی و کمونیستی هستند. کانون‌ها ظرف فعالیت حوزه‌های کمونیستی برای تکامل و انطباق جهت‌گیری عینی‌گرایش اجتماعی کمونیسم تا سطح مواضع و پلتفرم کمونیستی می‌باشند. در جائیکه مناسبات اعضای

سازمان کمونیستی بر پرنسپها و ضوابط سیاسی تشکیلاتی استوار است، مناسبات اعضای کانون، بر دوستی‌ها و شناخت مبتنی بر روابط طبیعی در محیط کار و زیست بنا میگردد. دوستی و رفاقتی که غالباً ناظر بر پیوند افراد با نظام ارزشی مشترک می‌باشد. کانون‌ها، با اتکا بر فعالیت‌های فکری و فرهنگی مبتنی بر رفاقت انسانی، میکوشند تا نظام ارزشی حاکم بر مناسبات انسانی در جامعه بورژوا را به بوته نقدی کمونیستی بسپارند.

4. کانون‌ها، شبکه‌ای از عناصر مبارز هستند که بصورت تشکلهای متنوع ژلاتینی (انعطاف پذیر) سازمان می‌یابند. هدف اصلی فعالیت کانون‌ها رشد فکری اعضای آن بر متن مبارزات روزمره در عرصه‌ای معین می‌باشد. کانون‌ها میتوانند به هر صورت یا شکل ممکن و متناسب با شرایط مشخص سازمان داده شوند: بصورت هسته‌های مخفی مطالعاتی در محیط کار، انجمن فرهنگی و آموزشی یا کتابخانه محلی و یا گروه کوهنوردی در محله کارگری، بصورت هسته‌ای در تعاونی کارخانه یا گروه مستقل ترجمه و تحقیق دانشجویی، یا هر نهاد دیگری که مناسب باشد. اشکال سازمانیابی کانون‌ها وابسته به عرصه‌های فعالیت و مبارزه (موضعی یا حوزه‌ای) آنان و درجه رشد مبارزه طبقاتی خواهد بود. این شکل از موجودیت اما تنها یک ظرف و امکان، بل که یک نقطه آغاز برای ارتقاء کانون تا سرحد سازمانیابی کمونیستی، و نه تنزل فعالیت کمونیستی به سطوح یاد شده، می‌باشد. از همین رو، موجودیت گروهی یا تشکیلاتی کانون، به معنای برخورداری آن از هویت سیاسی مستقل از تشکیلات انترناسیونالیستی نیست. فعالیت سازمانگرانه کادرهای تشکیلات انترناسیونالیستی در شکل‌گیری سلول‌های پایه، یعنی حوزه‌های سازمانی و فعالیت حوزه‌های سازمانی در شکل‌گیری کانون‌ها و سرانجام حرکت همه آنها در حضور سیاسی سازمان انترناسیونالیستی تجلی می‌یابد.

5. مراکز کار و تولید، جبهه مقدم نبرد علیه نظام موجود هستند. عرصه تولید، بستر همبستگی و اتحاد انسان‌هایی است که بطور روزانه عمق بیعدالتی و بی‌حقوقی نهادینه شده نظم موجود را تجربه میکنند. مهمترین عرصه شکل‌گیری کانون‌ها، یعنی صنایع و کارخانجات، تحت کنترل رسمی تشکلهایی هستند که در واقع همچون پایگاه نیروهای امنیتی و سیاسی دستگاه حاکم برای سرکوب یا مهار اعتراضات کارگری عمل میکنند. با این وجود، اعتراضات روزمره یک محصول طبیعی مناسبات مبتنی بر استثمار در مراکز تولید می‌باشد. در پس هر حرکت اعتراضی در محیط کار، هسته یا گروه معینی از کارگران قرار دارند. چنین جمع‌هایی در جایی محصول شکل‌گیری تدریجی حرکت اعتراضی و در جای دیگر نقطه عزیمت برای شکل دادن به حرکت اعتراضی هستند. از همین رو، مبارزات روزمره محیط کار مناسب‌ترین بستر برای شکل دادن «کانون‌ها» است. این مبارزات در

عین حال برنده‌ترین سلاح در مقابل تلاش بورژوازی برای تبدیل کردن کارگران به شهروندان منفعل صاحب رای می‌باشد.

6. کانون‌ها تاکتیک سازمان انقلابی برای سازماندهی توده‌ای و ایجاد حزب بزرگ انقلابی به معنای سنتی کلمه نیستند. در شرایطی که ایدئولوژی طبقه حاکم بر کلیه شئون زندگی روزمره سیطره دارد، امکان توده‌گیر شدن سازمان کمونیستی وجود ندارد. پیشروی کمونیسم بمثابه آنتاگونیسم بورژوازی مشروط به ضعف و هزیمت بورژوازی و این نیز بنوبه خود در گرو رشد مبارزه طبقاتی می‌باشد. کمونیسم تنها زمانی توده‌گیر می‌شود که پایه‌های اصلی نظام سرمایه‌داری بلرزه درآمده و سیطره ایدئولوژیک طبقه حاکم رو به سستی نهد. در اوضاع متعارف سرمایه‌داری، حیات سازمان کمونیستی و نهادهای غیرحزبی آن کماکان همچون گروه‌های نسبتاً کوچک و ایزوله، بصورت کانون‌های مقاومت موضعی تداوم خواهد یافت.

7. سازمان کمونیستی از همه اشکال ارتباطات انسانی و تکنولوژیک برای سازماندهی مبارزه بهره می‌جوید. اما باور به ایجاد تشکل‌های بزرگ توده‌ای یا امکان رقابت رسانه‌ای و تبلیغاتی با دستگاه‌های غول‌آسای ارتباطی طبقه حاکم «در عصر رسانه و اطلاعات»، بدون استحاله در سیستم سیاسی موجود، توهم کودکانه‌ای بیش نیست. با این وجود، مشی کمونیستی در ساماندهی نهادهای غیر حزبی، نه بر ایده ناممکن بودن غلبه بر سیطره ایدئولوژی حاکم در شرایط متعارف سرمایه، بلکه بر این باور متکی است که میان سبک کار حزب کمونیستی و حزب پارلمانتاریستی تفاوت کیفی وجود دارد. کانون‌ها مراکز نقد حقایق ظاهراً بدیهی هستند که نهادهای بورژوایی و تکنولوژی مدرن رسانه‌ای با امواج عظیمی از تصاویر و تعابیر بر اذهان میلیونی استعمار شوندگان تزریق می‌کنند. امواجی که از طریق متمیزه کردن طبقات و گروه‌های همبسته به شهروندان منفرد، بازتولید و تحکیم ایدئولوژی حاکم را عملی می‌سازند. در این معنا، تشکل‌های متکی بر تجمعات زنده و مسلح به چشم‌انداز کمونیستی را باید به سان کانون‌های کوچک مقاومت طبقاتی در مقابل سیطره بلامنازع ایدئولوژی حاکم تلقی نمود.

8. کانون‌ها نهادهای غیرحزبی جنبش انترناسیونالیستی برای دخالتگری کمونیستی در مبارزه طبقاتی هستند. در شرایطی که تشکل‌های طبقه حاکم، جبهه‌ای به وسعت تمامی عرصه‌های مبارزه، علیه طبقه کارگر و کمونیسم

گشوده، در شرایطی که میدان نبرد بطور کامل به تسخیر دشمن در آمده و بخشی از خط حمله دشمن در پایگاه‌های سرمایه بنام کمونیسم، علیه کمونیسم تجهیز شده، در چنین شرایطی، کانون‌های کمونیستی، سنگرهای مقاومت در میدانی است که در محاصره کامل قرار دارد. در جائیکه وجه مشخصه کلیه تشکلهای بورژوا، پذیرش پایه‌های اساسی نظام سرمایه‌داری یا ممانعت از سرنگونی آن به بهانه لزوم طی مراحل از انقلابات سیاسی یا اصلاحات اقتصادی است، کانون‌ها نهادهای مدافع لزوم انقلاب بلاواسطه کمونیستی هستند. هدف کانون‌ها در دو چیز خلاصه میشود: اول، تلاش برای سوق دادن مبارزات روزمره به اقدام مستقیم علیه سلطه سرمایه و دوم، ارتقاء مناسبات دوستانه کانون تا سطح یک گروه کوچک مسلح به نگرش کمونیستی. کانون‌ها نطفه‌های پیشروی جنبش کمونیستی در هر اعتراض بنیادی به بیعدالتی‌های نظام موجود و تجلی حضور مبارزان کمونیست در تمامی جبهه‌های نبرد برای رهایی بشر هستند. از همین رو نیز، کانون‌ها اعتقاد به تباهی جناح‌های راست و چپ سیستم سیاسی سرمایه و لزوم سرنگونی این نظام را در اسناد حرکت خود ذکر کرده و به تناسب شرایط سیاسی، این هدف را آشکارا اعلام میدارند. در جائیکه تشکلهای و جنبش‌های موجود تجلی آکتیویسم و حرکت بی‌وقفه مائین حزبی این یا آن جناح سرمایه، برای جمع‌آوری آراء است، کانون‌های کمونیستی به تلاش تزلزل ناپذیر خود برای ارائه بدیل کمونیستی ادامه میدهند.

9. وضع قوانین کار و اصلاح آن به تناسب رشد مبارزه طبقاتی و همچنین ایجاد نهادهای قانونی و تشکلهای فرمایشی کارگری همگام با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین متدهای سازماندهی تولید و نیروی کار، مهمترین سلاح بورژوازی در مهار و کنترل مبارزات کارگری است. وظیفه این نهادها، مانند اتحادیه‌های کارگری، ممانعت از شکل‌گیری اعتراضات مستقل و متکی بر همبستگی طبقاتی از طریق کنترل و مهار مبارزات (با سازمان دادن اعتراضات نمایشی) می‌باشد. یکی از اهداف اصلی قوانین و نهادهای بورژوایی این است تا استثمار شونده‌گان را متقاعد سازند که نظام موجود قابلیت اصلاح کامل و تحقق بخشیدن عدالت را دارا می‌باشد. در مقابل، یکی از اهداف سبک کار کمونیستی، اثبات ناممکن بودن اصلاح سرمایه‌داری و لزوم انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی به تولیدکنندگان همبسته از طریق انقلاب کمونیستی است. در همین راستا، سبک کار کمونیستی معطوف به ارتقاء مبارزات روزمره گروه‌های پراکنده در محله و کارخانه، تا سطح یک مبارزه طبقاتی (و لاجرم سیاسی) است. کانون‌های کمونیستی، از سویی با تمام قوا برای تبدیل مبارزات مستقل به اقدام مستقیم علیه سرمایه میکوشند و از سوی دیگر، اعتراضات سازمانیافته توسط نهادهای بورژوا برای مهار مبارزات مستقل را قویا محکوم میکنند.

10. هر چقدر راه‌های قانونی برای هدایت اعتراضات به مجرای نهادهای رسمی بیشتر باشد، کنترل بورژوازی بر مبارزات کارگری نیز بیشتر است. این امر نیز بنوبه خود در گرو اوضاع اقتصادی نظام موجود و درجه نفوذ ایدئولوژیک- تشکیلاتی طبقه حاکم در بین پرولتاریای یک جغرافیای سیاسی معین است. تلاش برای ارتقاء خواست‌ها و مبارزات کارگری تا سطح اقدامات فراقانونی برای عبور از تشکلهای رسمی کارگری یکی از وظایف رتین «کانون‌ها» است. در محیط زیست، آنجا که گروه‌های اجتماعی دست به مبارزه علیه تضيیقات موجود میزنند، نقش کانون‌ها ارتقاء سطح مبارزه و افشاء اقدامات سازمانیافته از بالا برای سرکوب یا کنترل اعتراضات اقشار مزبور است. بدین سان و با تلاش برای عبور از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی نظام موجود در شرایطی مشخص، «کانون‌ها» خواهند کوشید تا اعتراضات روزانه در محیط زیست و کار تا سطح مبارزه ضد سرمایه‌داری ارتقاء دهند.

11. در شرایطی که گروه‌های کمونیستی و انقلابی کشورهای پیشرفته، با متدها و سبک کار غیرقانونی و فن مبارزه با پلیس سیاسی بیگانه هستند، یک مشکل اساسی گروه‌های انقلابی فعال در کشورهای پیرامونی، ناتوانی در استفاده از فرصت‌ها و ظرف‌های علنی است. از همین رو در شرایط سیاسی تحت حاکمیت اشکال غیر دمکراتیک سرمایه، ایجاد کانون‌ها متناسب با تکنیک‌های تلفیق کار علنی و مخفی صورت میگیرد. اما در صورت رشد هر «کانون» تا سر حد یک تشکل علنی غیر حزبی در شرایط مناسب، کانون مزبور، تباهی کل سیستم سیاسی سرمایه و احزاب راست و چپ آن و اعتقاد به براندازی نظام سرمایه‌داری را در اسناد حرکت خود، رسماً اعلام می‌کند. بدین سان حوزه‌های کمونیستی از مجرای سازماندهی کانون‌ها، سمت‌گیری مبارزه ضد سرمایه‌داری افراد و گروه‌های معترض به صفوف نبرد کمونیستی را تسریع می‌سازند. سازماندهی تدریجی کانون‌های کمونیستی، همچون مرحله تدارکاتی برای مواجهه تشکیلات انترناسیونالیستی با شرایط انقلابی و تلاطم حاد سیاسی است. شرایطی که کانون‌های کمونیستی قادرند تا پیشاپیش ارگانهای برآمده از جنبش انقلابی، کمیته‌های کارخانه، کمیته‌های اعتصاب، شوراهای و گاردهای مسلح کارگری قرار گیرند.

12. وجود اقلیت‌ها و گروه‌های بزرگ اجتماعی که تحت تبعیض مضاعف در نظام سرمایه‌داری قرار دارند، در عین حال به معنای تشکلیابی و مبارزه این گروه‌ها علیه بیعدالتی‌ها و تضيیقات مزبور است. تا آنجا که این گونه از تشکلیابی و مبارزه مستقل، بیعدالتی‌های نظام طبقاتی را آماج اعتراض خویش میکند، مورد حمایت سازمان

کمونیستی خواهد بود. سیاست عمومی تشکیلات انترناسیونالیستی، تلاش برای سوق یافتن فعالین چنین مبارزاتی بسوی کانون‌های کمونیستی است. سیاست مزبور مبتنی بر این نظر است که سازمانیابی کمونیستی و اشکال غیر حزبی سازمانیابی، تابع هیچگونه تفرقه میان گروه‌های متعدد جنسی، قومی، نژادی و دسته‌بندی‌های صنفی در میان طبقه کارگر نخواهد بود. هرگونه سازمانیابی قومی، جنسی، نژادی و گروهی و حرفه‌ای در انجمن‌ها و سازمان‌هایی که پایه‌های اساسی نظام سرمایه‌داری را مورد حمله قرار نمیدهند، موجب تفرقه در صفوف استثمار شونده‌گان و تضعیف مبارزه طبقاتی میگردد. از همین رو سیاست عمومی سازمان کمونیستی، تشویق گروه‌های یاد شده به ایجاد کانون‌ها و سازمانیابی در صف مبارزه کمونیستی خواهد بود.

13. فعالیت رتین و هدفمند برای سازماندهی مبارزات و مطالعات کانون‌ها، یکی از وظایف پایه‌ای حوزه‌های کمونیستی است. ساماندهی مباحث و مطالعات کانون، در پیوند با پاسخگویی به معضلات پیش روی کانون در عرصه مشخص فعالیت اعضای آن خواهد بود. در مناطق و عرصه‌هایی که حوزه کمونیستی حضور ندارد، فعالین و سازماندهان کانون در تماس با تشکیلات انترناسیونالیستی، دست به ایجاد آن میزنند. اما بطور کلی، حوزه‌های کمونیستی در نقش حلقه واسط میان پراتیک عملی و نظری کانون و سازمان کمونیستی عمل میکنند. در شرایطی که ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی تمامی پیکره اجتماع انسانی را در تارهای خویش تنیده، کانون‌های کمونیستی، همچون به‌های ساعتی هستند که به محض شکل‌گیری شرایط انقلابی انفجار انقلابی و گسترش شعله‌های انقلاب کمونیستی و تامین رهبری گاردهای مسلح شوراهای انقلابی در محله و کارخانه براندازی سرمایه را تسریع خواهند کرد. با برآمد ارگانهای انقلابی و توده‌ای از دل شرایط انقلابی، کانون‌ها نیز همانند دیگر نهادهای تشکیلات انترناسیونالیستی، در پیشاپیش صفوف نبرد انقلابی برای سرنگونی سرمایه‌داری قرار خواهند گرفت.

14. وظایف اساسی کانون‌ها در ساماندهی مطالعه و بحث، نافی اقدامات اعتراضی یا تبلیغی آنان در شرایط ویژه سیاسی نیست. در صورت پدیدار شدن بحران و تلاطم سیاسی، کانون‌ها همچون مراکز سازمانیابی حرکت‌ها و نمایشات کمونیستی عمل خواهند کرد. تظاهرات و گردهمایی‌هایی که با حمل پلاکاردها و سر دادن شعارهایی کمونیستی، بر لزوم براندازی نظام سرمایه‌داری و لغو مالکیت خصوصی از طریق انقلاب کمونیستی پای خواهند فشرد. پیام اصلی هرگونه حرکت اعتراضی و نمایشی کانون‌های کمونیستی، تاکید بر ضرورت براندازی نظامی است که بر استثمار و جنگ بنا شده و به دلیل یک دوران طولانی جنایت علیه بشریت باید جای خود را بیدرنگ به

یک نظام عالی‌تر شایسته زندگی انسانی، نظام سوسیالیستی بسپارد. بدین‌سان، کانون‌ها در درجه اول مراکز مطالعه و بحث جهت ارتقاء آگاهی اعضاء با تکیه بر تئوری انقلابی هستند، اما آنجا که به حکم شرایط عینی و بحران سیاسی، قادر به دخالت‌گری سیاسی جمعی و اقدامات تبلیغی شوند، ضرورت انقلاب قهرآمیز برای براندازی سرمایه‌داری و برپایی جامعه کمونیستی را تبلیغ خواهند کرد. چنین فعالیت‌هایی اما تحت نام و پرچم سازمان کمونیستی صورت می‌گیرد. کانون‌های کمونیستی پرچمدار سبک‌کار نوین از طریق سازماندهی گروه‌های ترویج کمونیستی و همایش تبلیغ کمونیستی خواهند بود.